

## معرفی الگوی مدیریت سنتی بر مراتع جنگل‌های هیرکانی بخش بندپی شرقی بابل

عباس علیپور نخعی\*

\* استادیار پژوهش، بخش تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و ترویجی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی مازندران، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ساری، ایران. [dr.alipour82@gmail.com](mailto:dr.alipour82@gmail.com)

### چکیده

قبل از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۱، عشایر به‌طور عرفی در مراتع بیلاقی، میان‌بند و قشلاقی حق چرا داشتند و عواید بهره‌برداری از هر مرتع به عشیره خاصی تعلق می‌گرفت. در آن دوره، مالکیت مراتع در اختیار مالکین روستاها و خوانین عشایر قرار داشت که یا رأساً از آن بهره‌برداری می‌کردند و یا با عقد قراردادهای اجاره و دریافت مبلغی به‌عنوان حق علفچر، مراتع مازاد بر نیاز خود را به سایر دامداران، از جمله عشایر واگذار می‌کردند. با ملی شدن مراتع، مدیریت بومی آن از بین رفت و از آن پس، واحدهای دولتی با عناوین مختلف متولی این منبع عظیم ملی شدند، بی آن که هرگز بتوانند سازمان از هم پاشیده مدیریت سنتی را به‌نحوی دیگر جایگزین کنند. این الگوی مدیریتی در منطقه بندپی شرقی علی‌رغم تحولات عمیقی که در ۶ دهه گذشته در کشور بوقوع پیوسته، توانسته است همچنان ساختار عملکردی خود را حفظ کند. این مقاله با استفاده از روش تحقیق کیفی و حضور مستمر روزانه در ایام هفته در یک بازه زمانی ۲ ساله در بین طوایف و تیره‌های موجود منطقه به انجام رسیده است. در این مقاله کوشش شده تا با شناخت زوایای پنهان و پیدای این الگوی مدیریتی نسبت به احیای این الگو در سایر مراتع استان اقدام نمود. نتایج این تحقیق نشان داده که این الگوی سنتی در کنترل زمان ورود و خروج دام، تعداد دام ورودی، زمان ورود به مراتع و حفظ توان اکولوژیکی مراتع زیراشکوب و غیرمشجر این منطقه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

**واژگان کلیدی:** بندپی شرقی، جنگل‌های هیرکانی، دامداری، قرق‌شکنی، مراتع زیراشکوب، مراتع غیرمشجر.

## بیان مسأله

براساس آخرین آمار ارائه شده توسط سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، وسعت مراتع ایران برابر ۸۴/۷ میلیون هکتار می‌باشد. این میزان برابر با ۵۲/۳ درصد از سطح کل کشور و برابر ۲/۶ درصد از سطح کل مراتع دنیا (۳۲۰۰ میلیون هکتار سطح مراتع جهان) است (افتخاری و خلیفه‌زاده، ۱۳۹۷). با توجه به این که مراتع در حال تخریب هستند و از طرفی نیاز به مراتع روز به روز بیشتر می‌شود، بنابراین برای تأمین نیازهای وابسته به مراتع، بایستی مدیریتی کارآمد در نظر گرفت تا از تخریب بیشتر آن جلوگیری شود (حجاریان، ۱۴۰۱).

در طول چند دهه اخیر یکی از مهم‌ترین معضلات مراتع کشور، نحوه مدیریت سامان‌های عرفی است که بر اساس پروانه چرای، به یکی از سه روش مشاعی، افزازی و شورایی مدیریت می‌شوند (فرامرزی و همکاران، ۱۴۰۰). قبل از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۱ مالکیت مراتع و عواید بهره‌برداری از آن در اختیار طوایف و عشیره‌های ساکن در هر منطقه از کشور قرار داشت. این نوع مالکیت در حفاظت از مراتع نقش مهمی ایفا می‌کرد، زیرا مرتع به‌عنوان یک منبع درآمد به‌شمار می‌رفت که حفظ آن باعث تداوم یک چنین درآمدی می‌شد و تقریباً بدون صرف هزینه‌ای، عاید می‌گردید. بنابراین در متن قراردادی که برای این منظور منعقد می‌شد، زمان ورود و خروج دام، تعداد دام و حتی شیوه بهره‌برداری قید می‌شد و در حین چرا نیز مفاد قرارداد به‌وسیله ناظرین مالک کاملاً کنترل می‌شد. مدیر و ناظر مرتع از ورود دیگر دام‌ها به مرتع موصوف جلوگیری می‌کرد و در فصل گلدھی و بذرریزی گونه‌های مرتعی، در خشکسالی‌ها و کاهش علوفه، تعداد دام‌های موجود را کاهش می‌داد. با ملی شدن مراتع، مدیریت بومی آن از بین رفت و از آن پس، واحدهای دولتی با عناوین مختلف متولی این منبع عظیم ملی شدند، بی آن که هرگز بتوانند سازمان از هم پاشیده مدیریت سنتی را به‌نحوی دیگر جایگزین نمایند (دستورالعمل فنی مدیریت چرا و قرق، ۱۳۸۷).

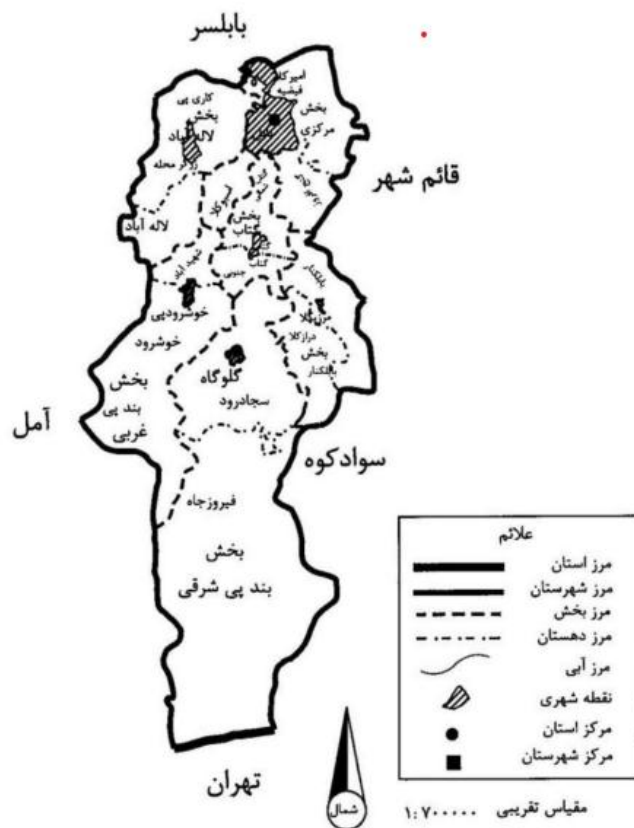
قرق‌شکنی از سنت‌های دیرینه دامداران در منطقه بندپی شرقی بابل است که در مناطق بیلاقی و کوهستانی با برگزاری آئین‌های خاصی آغاز می‌شود. مراتع بیلاقی این منطقه همه ساله در فصل پائیز به‌منظور ایجاد تعادل بین ظرفیت مراتع و تعداد دام‌ها و همچنین حفظ پوشش گیاهی، با هماهنگی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری منطقه ساری از سوی شورای مرکزی بخش بندپی بر روی دام‌ها بسته و پس از رشد کافی گیاهان در اواخر ماه اردیبهشت یا اوایل خرداد گشوده می‌شود. زمان آغاز چرای دام‌ها در مناطق بیلاقی بر اساس پروانه چرای دامداران، شرایط رویش گیاهی منطقه و همچنین تغییرات جوی و آمادگی مراتع بنا به تشخیص هیأت منتخب اعضای شورای مرکزی این بخش و اداره منابع طبیعی شهرستان تعیین می‌شود.

درک عمیق روند تغییرات مدیریتی از سنتی به مدیریت مرسوم فعلی در زمینه مراتع می‌تواند در شناسایی بخش عمده‌ای از مشکلات و چالش‌های آن‌ها موثر باشد و به تدوین راهبردهای مناسب برای مدیریت پایدار مراتع کمک کند (خدری غریب‌وند و همکاران، ۱۴۰۰). در این مقاله کوشش خواهد شد این الگوی مدیریتی را که علیرغم گذشت بیش از ۶ دهه توانسته همچنان ساختار عملکردی خود را حفظ نماید، معرفی کرده تا با شناخت زوایای پنهان و پیدای آن بتوان نسبت به احیای این الگو در سایر مراتع استان اقدام نمود.

## دستاوردها

منطقه تحقیق واقع در بخش بندپی شرقی در جنوب شهرستان بابل مشتمل بر دو دهستان سجادرود و فیروزجاه واقع شده که از شمال به دهستان‌های گناب و بابل‌کنار، از جنوب به رشته کوه‌های البرز و استان تهران، از غرب به شهرستان سوادکوه و از شرق به شهرستان آمل محدود می‌گردد. منطقه به لحاظ فیزیوگرافی و شکل زمین، در سه تیپ کاملاً متمایز واحد دشتی، کوهپایه‌ای و کوهستانی قابل شناسایی است که واحدهای اول و دوم در دهستان سجادرود و واحد سوم در

دهستان فیروزجاه قرار گرفته است. مساحت منطقه مورد بررسی بالغ بر ۶۲۵۹۰ هکتار بوده که از این میزان ۱۸۲۷۰ هکتار در دهستان سجادرود (جلگه‌ای و کوهپایه‌ای) و ۴۴۳۲۰ هکتار در دهستان فیروزجاه (کوهستانی) واقع شده است (علیپور نخعی، ۱۳۷۷).

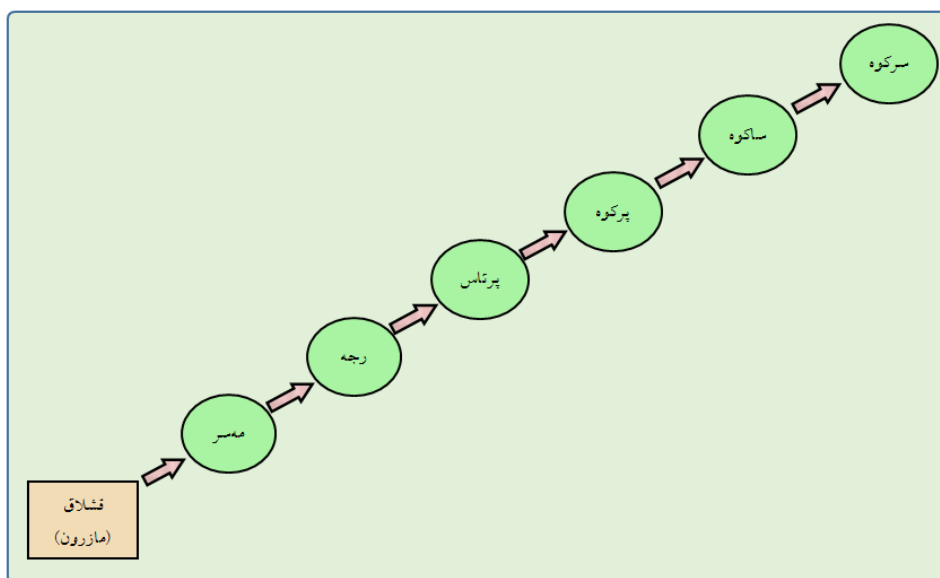


شکل ۱- نقشه تقسیمات کشوری شهرستان بابل در سال ۱۳۹۵

از آن جایی که منطقه از یک ساختار طایفه‌ای تبعیت می‌کرد، بنابراین از روش تحقیق کیفی که شامل گردآوری و تحلیل داده‌های غیرعددی برای شناخت مفاهیم، دیدگاه‌ها و تجارب مختلف بوده در یک بازه زمانی ۲ ساله استفاده شد و ضمن حضور مستمر روزانه در بین طوایف و تیره‌های موجود نسبت به شناخت این الگوی سنتی، اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید. در این روش با هدف توصیف غیرکمی از موقعیت‌ها، حوادث و گروه‌های کوچک اجتماعی منطقه سعی شد با ارائه تعبیر و تفسیر معانی که انسان‌ها در موقعیت‌های طبیعی و عادی به زندگی خود و حوادث می‌بخشند، کنش‌های متقابل اجتماعی که دارای کلتی درهم تنیده از روابط را تشکیل می‌دهند با تحلیل استقرائی مورد بررسی قرار گیرد.

حذف نظام ایلی و طایفه‌ای که پیامد اجرای قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۱ بوده، مشکلات جدی را در بعد نظارت و کنترل بر بهره‌برداری از انفال (جنگل و مرتع) برای دولت به‌وجود آورده است. اما علیرغم تحولات عمیقی که در طی این مدت در کشور به‌خاطر وقوع انقلاب بوقوع پیوست، ساختار طایفه‌ای در این منطقه همچنان مکانیسم و عملکرد گذشته خود را حفظ نموده و با اعمال مدیریت سنتی "فرق" توانسته است تا حدود زیادی به حفظ تعادل دام و مرتع و توان اکولوژیکی مراتع منطقه کمک نماید (علیپور نخعی، ۱۳۷۷).

بر اساس بررسی‌های میدانی، مراتع این منطقه بر اساس طبقات مختلف ارتفاعی از حداقل ۲۰۰ تا ۳۰۰۰ متر به شکل زیر تقسیم‌بندی می‌شود:



شکل ۲- تقسیم‌بندی مراتع بر اساس طبقات ارتفاعی از حداقل ۲۰۰ تا ۳۰۰۰ متر در منطقه تحقیق

- قرق: به شکل سنتی آن در این منطقه برعهده تشکل غیررسمی شورای مرکزی بندپی می‌باشد. اولین گام در اجرای مدیریت قرق، دعوت رسمی شورا از سران تیره‌ها (سربنیچه‌ها) در یک روز معین در محل مسجد شهر گلوگاه (نزدیکترین نقطه شهری در خروجی منطقه) است. شورای مرکزی بندپی که متشکل از ۵ نفر افراد منتخب از سوی سران ۲۷ تیره منطقه می‌باشد، در این جلسه به‌عنوان میزبان درخصوص روند اجرایی و فرآیند زمانی این کار اقدام به مشورت با سران تیره‌های طایفه فیروزجاه به‌عنوان مجریان تصمیمات جلسه می‌نماید. دستور جلسه نوعاً، بحث و تبادل نظر درخصوص مسائل و مشکلات دامداران و تعیین زمان شکستن "قرق" می‌باشد. معمولاً در این جلسه نماینده‌ای از سوی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مازندران- منطقه ساری از سوی شورا دعوت و به‌عنوان نماینده دولت در جریان تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌گیرد.

- زمان قرق‌شکنی تنها بر اساس تجربه‌های عملی به عوامل ذیل بستگی دارد:

الف) شرایط طبیعی و میزان رویش گیاهان مرتعی

ب) خشکسالی‌ها

ج) متراکم و یا تنگ‌بودن علوفه موجود در مراتع که قبلاً به‌وسیله اعضای شورای مرکزی بازدید شده در جلسه مزبور به اطلاع سایر اعضا می‌رسد. در پایان جلسه با تنظیم صورتجلسه‌ای که با امضاء تمامی اعضای این تشکل و نماینده دستگاه اجرایی همراه می‌باشد، ضمانت اجرایی آن به سران ۲۷ تیره منطقه محول می‌گردد.

- مراحل اجرایی مدیریت قرق شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱) تعیین زمان قرق‌شکنی

۲) تعیین قرق‌بان

۳) نظارت بر چگونگی استفاده از مراتع در ارتفاعات مختلف

- نشست‌های طایفه‌ای برای جمع‌آوری دستمزد قرق‌بانان اجیرشده:

تعیین کارشناسی هزینه‌های مدیریت "قرق" برعهده اعضای شورای مرکزی<sup>۱</sup> می‌باشد. شورای مرکزی، هزینه‌های مربوطه را غالباً بر اساس هر رأس دام تعیین و از دامداران اخذ می‌نماید. وظیفه دریافت وجوه تعیین شده با ابلاغی شفاهی بر عهده "سربنیچه‌ها" است. سربنیچه‌ها وظیفه دارند که وجوه تعیین شده را حداکثر تا دو روز بعد از شکستن قرق در نشستی که شورای مرکزی در حسینیه روستای لِهه برگزار می‌کند به رئیس شورای مرکزی تحویل دهند. وجوه دریافت شده صرف پرداخت دستمزد قرق‌بانان و هزینه‌های مربوط به مراسم ویژه روز قرق‌شکنی می‌شود. در این مراسم که به شکرانه یکسال نعمت الهی با رویش علوفه در مراتع برگزار می‌شود با حضور علما، بزرگان و صاحب منصبان کشوری و منطقه‌ای و با دعوت رسمی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مازندران- منطقه ساری برگزار و ضمن ایراد سخنرانی و گفتگو درخصوص مسائل و مشکلات منطقه در پایان از محل وجوه اخذ شده از دامداران اطعام‌دهی صورت می‌گیرد.

- نحوه استفاده از مراتع در ارتفاعات مختلف منطقه:

مدیریت قرق سنتی، مراتع منطقه را به دو دسته تقسیم نموده است:

۱. مراتع واقع در ارتفاع بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متر (مرتع ساکوه)

۲. مراتع بالاتر از ارتفاع ۲۵۰۰ متر (مرتع سرکوه)

نحوه بهره‌برداری از مراتع در این سیستم به میزان برودت هوا و اندازه رویش علوفه بستگی دارد، به طوری که مراتع بخش اول در روز نخست شکستن قرق (۲۰ خرداد) و مراتع بخش دوم با یک هفته تأخیر در (۲۷ خرداد) مورد استفاده دامداران قرار می‌گیرد. دامداران معمولاً تا ۲۰ اردیبهشت در مراتع زیراشکوب که به عنوان مرتع قشلاقی نامیده می‌شود (ارتفاع ۲۰۰ متر) حضور داشته و با گرم شدن هوا و رویش علوفه دام‌ها را به سمت مراتع مه‌سر که آن هم به عنوان مراتع زیراشکوب محسوب می‌شود (ارتفاع ۳۲۰ متر) حرکت می‌دهند. معمولاً تا ۳ خرداد ماه در این مراتع اطراق کرده و برای استفاده از علوفه تازه در بخش دیگر از مراتع زیراشکوب که با نام رجه شناخته می‌شود و در ارتفاع ۱۵۰۰ متری قرار دارد به این مراتع رجوع می‌کنند. دامداران منطقه به مرور زمان با افزایش دما به آخرین قلمرو از مراتع زیراشکوب که پرتاس خوانده می‌شود و در ارتفاع ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ متر قرار دارد رجوع کرده و تا ۱۵ خرداد ماه در این مراتع می‌مانند. قبل از شکستن قرق دامداران تا ۲۵ خرداد ماه خود را به مراتع نیمه مشجر پرکوه رسانده و تا ۱۰ تیرماه که قرق شکسته می‌شود، در این مراتع که نزدیکترین فاصله را با مراتع غیرمشجر ساکوه دارد می‌مانند. همزمان با روز قرق‌شکنی، دامداران از طریق دره‌ها و معابر مشخص دام‌های خود را به این مراتع رسانده و معمولاً تا ۲۰ تیرماه مستقر هستند. سپس برای استفاده از علوفه تازه به مراتع سرکوه که در ارتفاع بیش از ۳۰۰۰ متر قرار دارد، مراجعه می‌کنند و تا قبل از سرد شدن هوا چندین و چند بار به صورت پاندولی به مراتع

<sup>۱</sup> طایفه فیروزجاه از ۲۷ تیره که در اصطلاح محلی با نام "بنیچه" نامیده می‌شود تشکیل شده است. هر یک از سربنیچه‌ها دارای رئیسی با ویژگی‌های شاخص به لحاظ مدیریتی است که از منافع تیره خود در تعامل با تیره‌های دیگر برای تنظیم قرار و مدارهای غیررسمی جهت بهره‌برداری از منافع موجود در منطقه دفاع می‌کند. طایفه فیروزجاه برای حفظ انسجام و داشتن زبان مشترک از میان ۲۷ تیره خود ۵ نفر را به عنوان اعضای شورای مرکزی انتخاب و اعضای شورای مرکزی نیز از میان خود یک نفر را به عنوان رئیس شورای مرکزی بندپی انتخاب می‌کنند. فرد انتخاب شده نماینده غیررسمی برای کنترل و نظارت بر کلیه فعالیت‌های عمرانی، اجتماعی، سیاسی از سوی مجامع دولتی و غیردولتی بوده و هماهنگ کننده تیره‌ها جهت چگونگی نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی منطقه می‌باشد.

سرکوه، پرکوه و پرتاس مراجعه کرده و از اواخر مهرماه خود را به مراتع زیراشکوب (قشلاق) می‌رسانند. البته تا قبل از بارش برف به صورت متناوب در بین مراتع زیراشکوب (قشلاق، مه‌سر و رجه) جابجا شده تا از هزینه‌های تأمین علوفه دستی جلوگیری کنند. دامداران از اواسط دی‌ماه تا اردیبهشت ماه سال بعد در مراتع زیراشکوب (قشلاق) به صورت دائمی ماندگار شده و یک فصل کاری را به اتمام می‌رسانند.

مراتع بخش اول (ساکوه) شامل؛ شیخ موسی، لهه، استه‌چال، شالینگ‌چال، پاريجون، نی راسب، چالیاسر، کرازمین، ترجه، سبزخمن، که‌خنی، نی‌نو، کترآچال، لتی، کت‌پلی، سنگ‌بن، هلس، هلاجمه، یخچال پشت، شال درکا، وسیه، گلیرون، تته، اماره‌کش، برون، کریوش، دمیلرز، کلاپی، کرروآر، کالی‌بن، اسب خون، سنگلپا، پیت کت، پیرکلوم، دیسر، روجه‌کلوم و امامزاده حسن که مجموعاً ۳۸ مرتع می‌باشد.

مراتع بخش دوم (سرکوه) شامل؛ کتیوک، کنفجار، میدانک، الاتمر، شلمجار، لیرا، مهدی‌خیل، گریوده، خوزنگ، ورزنه، کتوازن و رباط که مجموعاً ۱۲ مرتع می‌باشد (علیپور نخعی و محمدنژاد کیاسری، ۱۳۹۶).

- ساختار اجتماعی بندپی، مدیریت سنتی قرق را با تلفیق نمادهای فرهنگی (باورهای مردم منطقه در مورد حضرت شیخ موسی) و مذهبی (حضرت امامزاده عبا...) و عناصر مذهبی همانند روحانیت توانسته که ضمانت بالایی را برای اعمال درست این نوع از مدیریت، به دست آورد.

### توصیه ترویجی

اگر چه تمامی مناطق مازندران از منتهی‌الیه غرب در رامسر گرفته تا آخرین نقطه شرق در گلوگاه، دارای مناطق و مراتع بیلاقی خاص خود هستند، ولی سنت قرق‌شکنی در بسیاری از این مناطق طی چهار دهه گذشته به فراموشی سپرده شده است. با توجه به این که آیین‌های سنتی همچون شناسنامه ریشه‌دار گذشتگان محسوب می‌شوند و این فرهنگ غنی آداب زندگی نسل‌های دیرین را روایت می‌کنند، احیای این سنت باید در طرح‌های مرتع‌داری مورد توجه و ملاحظه قرار گیرد. تجارب بیش از ۶ دهه الگوهای متعدد و متنوع نظام‌های بهره‌برداری از مراتع نشان داده که حذف نظام ایلی - طایفه‌ای باعث کاهش شدید نظارت‌های موثر بر تعادل دام و مرتع شده و علیرغم صرف میلیاردها ریال از منابع عمومی، تخریب پوشش گیاهی مراتع مشجر و غیرمشجر ادامه دارد. پیشنهاد می‌گردد به منظور استفاده از ظرفیت‌های نهفته در نظام طایفه‌ای منطقه بندپی با هدایت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور و همکاری ادارات کل منابع طبیعی و آبخیزداری مناطق سه‌گانه شمال کشور و دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی و NGOهای فعال در این زمینه ضمن برگزاری همایشی به بررسی و ارزیابی این الگوی مدیریتی در بهره‌برداری از مراتع پرداخته و نتایج آن در قالب گزارش علمی و فنی برای طرح در شورای برنامه‌ریزی استان برای اخذ مصوبه جهت احیاء این سنت دیرین به سایر مراتع استان ارائه شود.

## فهرست منابع

- افتخاری، ع.ر. و خلیفه‌زاده، ر. ۱۳۹۷. اهمیت مراتع از جنبه‌های محیط زیستی، تولید آب و راهکارهای مدیریت صحیح. هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران، تهران، ایران، ۳۱ ص.
- حجاریان، ا. ۱۴۰۱. تحلیل موانع و چالش‌های مدیریت مراتع (مطالعه موردی: مراتع استان کرمانشاه). پژوهشنامه مدیریت حوزه آبخیز، ۱۳ (۲۶): ۱۳۴-۱۲۵.
- خدروی غریب‌وند، ح.، طهماسبی کهیانی، پ.، بدروی‌پور، ح.، نقی‌پور، ع.ا. و ابراهیمی، ع. ۱۴۰۰. تحولات مدیریت مرتع در ایران با تأکید بر قوانین و مقررات و ممیزی مراتع در قلمرو بهره‌برداران مرتعی (بخش اول). دوفصلنامه نشریه علمی مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان، ۱ (۲: پیاپی ۲): ۷۴-۶۳.
- علیپور نخعی، ع. ۱۳۷۷. بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی استمرار شیوه‌های دامداری سنتی در منطقه بندپی بابل. گزارش نهایی طرح تحقیقاتی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی مازندران، ساری، ایران.
- علیپور نخعی، ع. و محمدنژاد کیاسری، ش. ۱۳۹۶. راهبردهای مدیریت پایدار جنگل‌های شمال ایران. انتشارات ناقوس، چاپ اول، تهران، ۲۰۴-۱۸۶ ص.
- فرامرزی، س.، طهماسبی، ا.، محمدی استادکلایه، ا. و مصطفی‌لو، ح. ۱۴۰۰. بررسی شاخص‌های مؤثر بر مدیریت مراتع در نظام‌های بهره‌برداری افزایی و مشاعی (با تأکید بر مراتع قشلاقی استان گلستان). نشریه حفاظت زیست بوم گیاهان، ۹ (۱۹): ۲۹۷-۲۸۱.
- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری. ۱۳۸۷. ضوابط و دستورالعمل‌های فنی مرتع (دستورالعمل فنی مدیریت چرا و قرق). نشریه شماره ۴۲۱، تهران، ص ۱۱.